

لحظه‌ی حقیقت

استیون جی. لاوسون

هنگامی که در آوریل ۱۵۲۱، پیش از مجمع عالی نمایندگان امپراتوری در وُرمز آلمان، مارتین لوتر از جانب چارلز پنجم امپراتور روم مقدس به حضور فراخوانده شد، در محضر-دادگاه بدعت خود قرار گرفت، او احضار شده بود تا از نوشته‌های خود صرف نظر کند. علیرغم اخطارهای دوستان به او که گفته بودند در دادگاه حاضر نشود، اما لوتر از ویتنبرگ به وُرمز سفر کرد و در روستاها و شهرهای سرتاسر مسیر موعظه نمود، با این باور که حقیقت در نبرد پیروز خواهد بود.

در وُرمز، سلسله مراتب سیاسی و کلیسایی به منظور رسوا کردن لوتر به‌عنوان یک بدعت‌کار دور هم جمع شدند. مدعی یوهان اک، نماینده کلیسای روم، همانطور که کتاب‌های نوشته شده‌ی لوتر روی میز در برابر وی بودند با دو پرسش لوتر را تحت فشار قرار داد. اولین پرسش خیلی ساده بود: «مارتین لوتر، آیا اینها کتاب‌های شما هستند؟» و بعد پرسش دوم که مهم‌تر بود: «آیا آنها را انکار خواهی کرد؟» لوتر با احساس انرژی بر بودن آن واقعه، برای آن روز عصر درخواست تنفس و استراحت در انفرادی را کرد. او روز بعد مجدداً در دادگاه حاضر شد و آن کلمات مشهوری را به زبان آورد که اکنون در گوش هر ایمان‌دار واقعی همانند صدای شیپور هستند:

وجدان من اسیر کلام خداست، مگر اینکه با کتاب مقدس و دلیل روشن محکوم شوم - اقتدار پاپ‌ها و شوراها را نمی‌پذیرم، زیرا آنها اغلب با یکدیگر تناقض داشته‌اند. هیچ چیزی را نمی‌توانم انکار کنم و نخواهم کرد، زیرا مخالفت با وجدان نه صحیح است و نه مجاز. خداوند به من کمک کند. آمین.

ایستادگی برای حقیقت

مسلم بود که این ایستادگی قاطع برای کلام خداوند اهمیتی جهانی خواهد داشت. لوتر با این ادعای دلیرانه اعلام کرد که کلام خدا بالاترین قدرت را در زندگی کلیسا دارد. او بر این موضوع تأکید کرد که کلام خداوند بر اسقف‌ها و شوراها برتری دارد. این، اعلان عمومی آن چیزی بود که به‌زودی به‌عنوان سولا اسکریپتورا که لاتین «تنها کتاب مقدس» بود، شناخته می‌شود. کلیسای کاتولیک روم از این موضوع دفاع کرده بود که حقیقت در کلام خداوند و سنت، کلام خداوند و شوراها کلیسایی و کلام خداوند و

اسقف نهفته است، همیشه کلام خداوند به اضافه‌ی چیزی یا کسی دیگر. اما لوتر شجاعانه، برعکس، برای تنها کتاب مقدس ایستادگی کرد.

در هر مرحله از مناقشه‌های متعاقب آن، لوتر بر اعتقاد خود نسبت به تنها کتاب مقدس پابرجا ماند. او ثابت کرد که یک آتاناسیوس امروزی است و در مقابل دنیا ایستاده است. این راهب، محکم و استوار به‌عنوان مرد آتاناسیوسی در برابر کل دنیای مذهبی و سیاسی با سنت کهنه‌ی هزارساله‌اش ایستاد. لوتر گفت «من کینه‌توزی تمام جهان، نفرت امپراتور، اسقف و همه‌ی ملازمین آنها را نسبت به خود تحمل می‌کنم. بسیار خوب، به خاطر نام خداوند؛ با دیدن اینکه درگیر این بحث شده‌ام، تا اثبات آن مبارزه خواهم کرد». لوتر شبیه یک کشتی یخ‌شکن بود که دشت‌های یخ‌زده‌ی قطبی نسل خود را شخم زد و این امکان را داد تا باقی اروپا پشت سر وی حرکت کنند.

لوتر موضع مستحکم خود را در مورد کلام خداوند حفظ کرد، با وجود اینکه این کار به معنای حکم اعدام روی سر او بود. وی دلیرانه اعلام کرد: «از سال خداوند ما ۱۵۱۸ تاکنون، هر پنجشنبه‌ی میثاق در روم توسط پاپ طرد شده‌ام و به جهنم انداخته شده‌ام اما همچنان زنده‌ام. این افتخار و قدرتی است که باید در این دنیا، هم انتظار آن را داشته باشیم و هم آن افتخار را داشته باشیم». به عبارت دیگر، ایستادگی آشکار بخاطر حقیقت خداوند و رنج کشیدن برای آن، نشان افتخاری از شاگردی است. عیسی فرمود خدمتکار، مافوق ارباب خود نیست. اگر آنها به خداوند جفا کنند، به ایمان‌دارانی که برای خاطر حقیقت آموخته‌شده در کلام خداوند ایستادگی می‌کنند جفا خواهند کرد.

بحران حقیقت

مانند لوتر در ۵۰۰ سال پیش، ما نیز در زمانی زندگی می‌کنیم که بحران بر سر حقیقت وجود دارد. ما شاهد هجوم خشونت‌آمیز همه جانبه بر کلام خداوند هستیم، به طوری که فرقه‌های لیبرال و مدارس ملحد الهیات به خطاناپذیری کلام خداوند حمله می‌کنند. تجددگرایی و عمل‌گرایی از طریق پافشاری بر اینکه حکمت بشری باید تکمیل‌کننده‌ی حکمت الهی باشد، به شایستگی کلام خداوند حمله می‌برند. کلیسای نوظهور با این ادعا که کلام خدا نمی‌تواند با قطعیت درک شود، وضوح کلام خداوند را مورد انتقاد شدید قرار می‌دهد. شخصیت‌های کاریزماتیک و غیرمتعهد با افزودن مکاشفه‌های عرفانی فرضی به قوانین غیرقابل تغییر کلام خداوند و قطعیت آن حمله می‌کنند. مکاتب فکری با تحریف ذات و عمل عیسی مسیح به پیام راستین کلام خداوند حمله

می‌کنند. روم همچنان به اعتبار منحصر- به فرد کلام خداوند می‌تازد و سنت خود، شوراها و کلیسای و فتواهای اسقف را به آن اضافه می‌کند. کماکان حملات مانند امواج بی‌پایان اقیانوس که به ساحل برخورد می‌کند به کوبیدن ادامه می‌دهند و این امواج در مخالفت خود با اعتبار منحصر به فرد کلام خدا برمی‌خیزند و کف می‌کنند.

علیرغم این حملات خشونت‌آمیز بر علیه کلام خدا، این کتاب همچون صخره‌ای ثابت از حقیقت باقی می‌ماند. کلام خداوند پناهگاهی یورش‌ناپذیر برای همه‌ی کسانی است که ایمان دارند گفته‌ی آن، کلام راستین خداوند است. این کتاب دژ نفوذناپذیری است که تحت حملات بی‌رحمانه‌ی بر سر خود، ذره‌ای تکان نمی‌خورد. کلام خدا امروز هم مانند زمانی که برای اولین بار نوشته شد همانطور قدرتمند و پابرجاست. مرد یا زنی که برای آن ایستادگی کند می‌تواند در برابر هر فریب دنیایی تاب آورد. کلام خدا به قدری نیرومند است که هنگامی که زندگی‌هایمان را با ایمان برپایه‌ی آن بنا بنهیم دیگر نمی‌توانیم از مسیر آن منحرف شویم. همانطور که با حملات بسیاری نسبت به کلام خداوند مواجه هستیم، باید ایمان قوی داشته باشیم و همانی را بگوییم که لوتر گفت: «در اینجا ایستادگی می‌کنم، کار دیگری نمی‌توانم انجام دهم. خداوند به من کمک کند.»

در این لحظه‌ی حقیقت، باید اصلیت حقیقت را همانگونه که در کلام خداوند ثبت شده است، با آغوش باز بپذیریم و علناً اعلام کنیم. به‌منظور موفقیت در این مجاهدت باید دو حقیقت را درک نماییم: اول، کجا باید ایستادگی کنیم، و دوم، چرا باید ایستادگی کنیم.

کجا باید ایستادگی کنیم

با توجه به کلام خداوند، شش حقیقت غیر قابل بحث وجود دارند که باید روی آنها ایستادگی نماییم. این شش حقیقت عبارتند از الهام، خطاناپذیری، اقتدار، صراحت، شایستگی و شکست‌ناپذیری کلام مکتوب خداوند. در اینجا حقیقت خداوند یافته می‌شود. این حقیقت در کلام خداست که ما ثبوتی از مکاشفه‌ی ویژه‌ی خداوند داریم و می‌توانیم نیرویی برای او در جهان باشیم. پولس رسول فرمود کلام نوشته‌شده‌ی خداوند «کلمه‌ی حقیقت» است. (دوم تیموتائوس ۲: ۱۵) که حاوی «کلام راستی» می‌باشد (افسیسیان ۱: ۱۳). یعقوب بر آن به‌عنوان «کلمه‌ی حق» تأکید کرد (یعقوب ۱: ۱۸). عیسی بیان کرد «کلام تو راستی است» (یوحنا ۱۷: ۱۷).

الهام از کلام خداوند

در ابتدا، بایستی به حقیقت الهام الهی کلام خدا اطمینان داشته باشیم. هر ایمان داری باید قاطعانه متقاعد شده باشد که کلام خداوند، کلام الهام شده از جانب خداوند زنده است. پولس رسول می نویسد «تمامی کتب از الهام خداست» (دوم تیموتائوس ۳: ۱۶). کلمات «الهام شده از سوی خداوند» در زبان یونانی اصلی یک کلمه هستند (theopneustos، تئوپنیوستوس)، که به معنای «نَفَخِی خداوند» است. از پیدایش تا مکاشفه، سراسر کلام خدا، الهام خداوند است، یعنی از دهان خداوند دمیده شده است. عیسی فرمود: «مکتوب است انسان نه محض نان زیست می کند، بلکه به هر کلمه‌ای که از دهان خدا صادر گردد» (متی ۴: ۴). در معنای واقعی، آموزه‌ی الهام از کلام خدا، آموزه‌ای از انقضاء است. یعنی کتاب مقدس توسط خدا دمیده شده است. طبق کلام خدا، یک نویسنده‌ی اصلی (خدا) وجود دارد که از نویسندگان ثانویه‌ی بسیاری (انسان‌ها) برای ثبت پیام خود استفاده می کند. نویسندگان بشری به سادگی ابزاری در دستان خداوند بودند تا کلام خدا را ثبت نمایند. اما تنها یک نویسنده‌ی اصلی، خود خدا، هست که از طریق کلمه با ما صحبت می کند.

الهام کلام خداوند دقیق‌ترین جزئیات آن را شامل می شود. عیسی فرمود: «زیرا هر آینه به شما می گویم، تا آسمان و زمین زایل نشود، همزه یا نقطه‌ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود» (متی ۵: ۱۸). کوچک‌ترین حرف در زبان عبری «یُد yod» است، شبیه آپاستروف در زبان انگلیسی. این حرف مانند یک مژه‌ی نازک است که تقریباً با چشم غیرمسلح قابل دیدن نیست. کوچک‌ترین علامت خطی در عبری در واقع کشیدگی یا مد کوتاهی از یک حرف برای تمایز حرفی از دیگری است. مثل تفاوت قائل شدن بین ال کوچک انگلیسی با تی کوچک انگلیسی می شود، تنها یک خط این دو حرف را از هم سوا می کند. عیسی فرمود کلام خداوند تا کوچک‌ترین علامت خطی که یک حرف عبری را از حرف دیگر متمایز می سازد و تا کوچک‌ترین حرف عبری در کل حروف الفبا، کامل خواهد شد.

همانطور که کلام خداوند را باز می کنیم و پیام آن را می خوانیم، این حکمت انسانی نیست که به ما آموخته می شود، بلکه ذهن راستین خداوند است که به ما شناسانده می شود. کلام خداوند شامل حکمت خداست که قادر است برای نجات به ما خرد عطا کند (دوم تیموتائوس ۳: ۱۵). این حقیقت است که از عرش خداوند فرود آمده است.

خطاناپذیری کلام خداوند

دوم، باید از حقیقت خطاناپذیری کلام خداوند محافظت و حمایت کنیم. هنگامی که کلام خداوند سخن می‌گوید، حقیقتی پاک، خالص و بدون هیچ‌گونه آمیختگی با خطایی را بیان می‌کند. غیرممکن است که کلام خدا حاوی هرگونه خطا یا تحریف واقعیت باشد، زیرا که از جانب خودِ خداوند نشأت گرفته است. تیطس ۱: ۲ با قاطعیت اعلام می‌کند که «...خدایی که دروغ نمی‌تواند گفت...». در مورد خداوندی که وجودش کاملاً مقدس است، هر خطا یا سخن دروغی از جانب او غیرممکن است. عبرانیان ۶: ۱۸ همین نکته را تأکید می‌کند، هنگامی که می‌گوید: «... ممکن نیست خدا در آنها دروغ گوید...». کلام خداوند به شکل جدایی‌ناپذیری با ذات خودِ او در ارتباط است. به بیان واضح‌تر، خدای مقدس نمی‌تواند در کلامش دروغ بگوید.

در مزمور ۱۲: ۶ می‌بینیم که خطاناپذیری کلام خداوند تأیید شده است: «کلام خداوند کلام طاهر است، نقره‌ی مصفای در قال زمین که هفت مرتبه پاک شده است». فلزات گران‌بها بیشتر اوقات به حالت مخلوط با فلزات پایه یافته می‌شوند و از این رو، در کوره‌ی آتشی قرار می‌گرفتند تا حرارت باعث شود ناخالصی‌ها از نقره یا طلا جدا شوند. ناخالصی‌ها تا سطح بالا می‌آمدند و از روی آن گرفته می‌شدند، بنابراین آنچه باقی می‌ماند فلزی خالص و گران‌بها بود. به همین طریق، در مزمور دوازدهم، داود می‌گوید کلام خدا هفت بار توسط خداوند آزموده شده است، هفت عددی برای تکامل است، به طوری که در کلام خداوند ناخالصی‌ها وجود ندارند. خداوند در کلام خود دقیقاً آنچه را که حقیقت دارد بیان کرده است. کلام خدا نمی‌تواند خودش را نقض کند و روح القدس نمی‌تواند با خود مغایرت داشته باشد. نتیجه‌ی آن، حقیقتی خالص و جلا نخورده از کلام خداوند است.

خطاناپذیری کلام خداوند اطمینان زیادی به ما می‌دهد که هر حقیقت درس داده شده در صفحات آن بدون هرگونه اشتباه یا استدلال بشری است. با هیچ‌گونه نقصی آمیخته نشده، بلکه در واقع شامل حقیقت کامل خداوند است. هر کلمه حاوی نمایش دقیقی از واقعیت است، چیزها همان‌گونه صادقانه‌اند که هستند.

قدرت کلام خداوند

سوم، باید مطیع قدرت کلام خداوند باشیم. از آنجا که کتاب مقدس کلام منحصر-خداوند است، با اعتبار خداوند سخن می‌گوید. کلام خداوند این حق را دارد که بر زندگی ما حکمرانی کند. کلام خداوند فرمانرواست، زیرا که خداوند فرمانرواست. بنابراین، همه باید برای حقیقتی که در صفحات آن ثبت شده زانو بزنند. در مزمور ۷: ۱۹، کلام خداوند به عنوان «قانون خداوند» شناخته

می‌شود. کلام خدا مجموع پیشنهادات خداوند نیست؛ برای بررسی به ما اولویت‌ها یا گزینه‌های انتخابی نمی‌دهد. به جای آن، کلام خداوند باید به‌عنوان قانون معتبر خداوند تشخیص داده شود که از طریق آن هر حیاتی به سوی زندگی هدایت می‌شود.

در زمان عیسی، فریسیان سنت‌های متعلق به خودشان را برتر از قدرت کلام خدا می‌دانستند. همانند اتفاقی که در زمان لوتر روی داد، کسی که درک کرد که نه بیانیه‌های اسقف و نه کلام هیچ فردی نمی‌توانست بر قدرت کلام خداوند برتری داشته باشد. کلام خدا واسطه‌ی فرمانروایی خداوند بر زندگی کلیساست. لوتر اصرار داشت «واعظان باید ادعاهای خود را با کلام اثبات کنند. هنگامی که قدرت پدران و آگوستین، گریگوری و به همین ترتیب شوراها را تحسین می‌کنند، پاسخ ما این است که آن چیزها نمی‌توانند به سادگی توجه‌مان را جلب کنند، ما خواهان کلام هستیم». اصلاح‌طلب آلمانی همچنین ذکر کرد «کتاب مقدس، به تنها خداوند و استاد حقیقتی همه‌ی نوشته‌ها و آموزه‌های روی زمین است. کلام خدا یا باید برترین مقام را داشته باشد یا هیچ». به عبارت دیگر، موقعیت میانی برای کلام خدا وجود ندارد. یا فرمانروای زندگی هر ایمان‌داری است یا به‌عنوان یک اسطوره‌ی باستانی کنار گذاشته می‌شود.

عقیده‌ی هر ایمان‌داری این است که کلام خداوند معتبر است و با قدرت برتر بر آنها فرمانروایی می‌کند. کلام خداوند به ما داده نشد تا سرگرم‌کننده و مهیج باشد. بلکه برای دستگیری داده شد تا به زندگی ما فرمان دهد تا خدا را خشنود کنیم.

برگرفته از کتاب لحظه‌ی حقیقت، نوشته جی. لاوسون، سال ۲۰۱۸، صفحات ۲۱-۲۹.

دکتر استیون جی. لاوسون

این مقاله در مجله [تیبیل‌تاک](#) منتشر شده است.